

اخبار و گزارش های کارگری 18 شهریورماه 1400

- ادامه اقامت خیابانی و تجمع قبول شدگان آزمون سال 99 آموزش و پرورش کشور(صاحبان کارنامه سبز آزمون) مقابل وزارت آموزش و پرورش برای نمایش خشم و اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی و وعده های توخالی مسئولان

- اعتراض کارگران شهرداری ایلام نسبت به عدم پرداخت 5 ماه حقوق و وعده های توخالی مسئولان

- مطالبه اصلی : فوق العاده ویژه یا رتبه بندی

مقصر به انحراف بردن مطالبات کیست؟

- کانون نویسندگان ایران: بکناش آبتین به مرخصی آمد

- کانون نویسندگان ایران: نظر بر خبر

زنان افغانستان، پیشگام مبارزه با تباهی و تبانی

- جان باختن یک کارگرداراک بر اثر برق گرفتگی و سقوط در چاه

***ادامه اقامت خیابانی و تجمع قبول شدگان آزمون سال 99 آموزش و پرورش کشور(صاحبان کارنامه سبز آزمون) مقابل وزارت آموزش و پرورش برای نمایش خشم و اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی و وعده های توخالی مسئولان**

چهارشنبه شب قبول شدگان آزمون سال 99 آموزش و پرورش کشور(صاحبان کارنامه سبز آزمون) به اقامت خیابانیشان در پایتخت ادامه دادند و روز پنجشنبه بابرپایی تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش برای ششمین روز خشم و اعتراضشان را نسبت به بلاتکلیفی استخدامی و وعده های توخالی مسئولان بنمایش گذاشتند.



***اعتراض کارگران شهرداری ایلام نسبت به عدم پرداخت 5 ماه حقوق و وعده های توخالی مسئولان**

روز پنج شنبه 18 شهریور، کارگران شهرداری ایلام اعتراضشان را نسبت به عدم پرداخت 5 ماه حقوق و وعده های توخالی مسئولان از جمله "بزودی"، "درآینده نزدیک" و "درحال پرداخت" ابراز کردند.

کارگران شهرداری ضمن اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوقشان در گفتگوبا خبرنگار رسانه ای خطاب به مسئولان این شهرداری گفتند: آیا خود شما اگر یک ماه حقوق دریافت نکنید می توانید ادامه زندگی دهید که 5 ماه است به بهانه های مختلف حقوق ما را پرداخت نکرده اید.

آنها با بیان این که ما کارگران خدماتی بیشترین بار شهرداری از آبیاری فضای سبز، تا نظافت و رفت و روب معابر و جداول را در شرایط شیوع کرونایی بر عهده داریم اما در پایان ماه نیز با دست خالی به خانه می رویم و از دریافت حقوق مان خبری نیست باید چگونه گذران روزی کنیم.

***مطالبه اصلی : فوق العاده ویژه یا رتبه بندی**

مقصر به انحراف بردن مطالبات کیست؟

جعفر ابراهیمی / معلم

اینکه امروز معلمان به خاطر کم و زیاد شدن چند درصد فوق‌العاده ویژه دچار اختلاف و سردرگمی شده‌اند مقصرش کیست؟ مقصر معلمان جوان هستند یا معلمان با سابقه؟ یا باید ریشه سرکوب معیشت و منزلت معلمان را در جای دیگر جستجو نمود؟

به نظر نگارنده حل مساله دستمزد معلمان و سایر زحمتکشان یک موضوعی است که ریشه در شیوه حکمرانی دارد و جریانهای متفاوت در قدرت نمی‌خواهند این معضلات به سود معلمان و زحمتکشان حل گردد چون با منافع و سود آنها در تضاد است. از این منظر دولت روحانی در هشت سال گذشته نخواست که تغییر اساسی در دستمزدها ایجاد نماید و مجلس هم با دولت در این قضیه همسو بود.

در آخرین سال عمر دولت روحانی، نوبخت با همراهی تشکل‌های وابسته و برخی افراد فرصت‌طلب تحت عنوان افزایش فوق‌العاده ویژه، اعتبار و احساسات و معیشت فرهنگیان را به سخره گرفتند و بین معلمان اختلاف انداخته و دستاورد نداشته خود را در بوق و کرنا کردند دستاورد پوشالی و انحرافی که با یک دستور میرکاظمی دود شد و به هوا رفت. پس مقصر اول دولت و مجلس هستند که به جای اجرای رتبه‌بندی‌شاغلان هشتاد درصد حقوق‌هیات‌علمی و همسان‌سازی بازنشستگان مبتنی بر قلم‌خک، از تن دادن به مطالبات خودداری می‌کنند اما این تمام ماجرا نیست.

بی‌شک تشکل‌های سیاسی وابسته به دولت روحانی و نمایندگان خود خوانده نقش به سزایی در انحراف مطالبات فرهنگیان داشتند کسانی که یک سال با وعده و وعید مطالبات را منحرف کردند و دعوی درصد کم و زیاد را بین معلمان جوان و با سابقه به راه انداختند اینها بیشتر دنبال منافع باندی و فردی خود بودند اگر چه معلمان فرهیخته گول این بازی را نخوردند و به جای تفرقه، اتحاد و همدلی را تبلیغ نمودند اما شوربختانه جمعی از معلمان فریب نوبخت را خوردند و در دام تشکل‌های وابسته گرفتار شدند اما امروز این جمع نیز متوجه شده‌اند که نباید منافع خود را با این فرصت‌طلبان گره بزنند.

با توجه به موارد فوق اما نقش ما معلمان در به وجود آمدن شرایط موجود چیست؟ آیا فقط نوبخت و نوچه‌هایش مقصرند؟ بی‌شک جواب منفی است ما باید از نقد خود غافل نشویم ما معلمان نیز مقصریم چرا؟ چون که آزموده را آزمودن خطاست. کجا در این سال‌ها دولت‌ها و تشکل‌های وابسته پا پیش گذاشتند و حق معلمان را داده‌اند؟ هر جا معلمان امتیاز گرفته‌اند نتیجه اتحاد و همبستگی صنفی و جمعی بوده‌است. از سوی دیگر معلوم نیست برخی از ما برچه اساس منافع محدود مانند افزایش چند درصد فوق‌العاده ویژه را فدای رتبه‌بندی‌شاغلان بر مبنای هشتاد درصد حقوق‌هیات‌علمی می‌کنیم و بر سر آن با هم بحث می‌کنیم

البته فعالان صنفی و تشکل‌های صنفی هم در این میان خوب عمل نکردند و نتوانستند خود را به درستی معرفی نمایند و بدنه را جذب نمایند. تا جایی که برخی از معلمان تشکل‌های صنفی را با تشکل‌های وابسته سیاسی دولتی اشتباه می‌گیرند و گمان می‌کنند که نمایندگان تشکل‌های صنفی در جلسات نوبخت به آنان خیانت کردند در حالی که نوبخت اصلاً تشکل‌های صنفی را دعوت به جلسات نکرد و نمایندگان تشکل‌های صنفی در این جلسات حضور نداشتند و در صورت حضور هرگز حاضر به امضای سند خیانت نوبخت نمی‌شدند چون خود را و امدار معلمان می‌دانند نه ارباب قدرت.

با توجه به موارد فوق ضروری است ما معلمان باید بر مطالبه اصلی خود پافشاری کنیم از عملکرد تفرقه‌افکنانه تشکل‌های وابسته سیاسی و افراد فرصت‌طلب فاصله بگیریم عضو کانون‌های صنفی معلمان و انجمن‌های صنفی فرهنگیان شویم و هر جا که تشکل‌صنفی مستقل وجود ندارد ایجاد کنیم

داشتن تشکل حق قانونی ماست و هیچ‌کس حق ندارد و نمی‌تواند معلمان را از داشتن تشکل محروم کند و به خود یادآوری کنیم که تحقق مطالبات در سایه همبستگی جمعی محقق می‌گردد.

***کانون نویسندگان ایران: بکتاش آبتین به مرخصی آمد**

پنج شنبه 18 شهریور:

روز گذشته حوالی ساعت ۵ عصر، بکتاش آبتین، شاعر، فیلمساز و عضو زندانی کانون نویسندگان ایران به مرخصی آمد.

این مرخصی پس از پیگیری‌های مداوم وکلا و خانواده‌ی آبتین و به علت بیماری پدر آبتین به او داده شده و تنها پنج روز ادامه خواهد داشت.

آبتین که نزدیک به یک سال است برای گذراندن حکم ۵ سال حبس خود در زندان اوین به سر می‌برد، تاکنون با وجود بیماری، حتی در زمان ابتلا به کرونا نیز از مرخصی محروم بوده است.

بکتاش آبتین به همراه دو عضو دیگر کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مهابادی) و کیوان باژن به دلیل عضویت در کانون و دفاع مستمر از آزادی بیان، از مهرماه ۱۳۹۹ در زندان اوین محبوس‌اند.

***کانون نویسندگان ایران: نظر بر خبر**

زنان افغانستان، پیشگام مبارزه با تباهی و تبانی

بیش از یک هفته از حضور زنان در خیابان‌های افغانستان می‌گذرد. تظاهرات اعتراضی در هرات، کابل و بلخ و دیگر ولایت‌ها با دخالت نیروهای طالبان و تهدید زنان و خبرنگاران روبه‌رو شده است. این سرکوب‌ها تا کنون به عقب‌نشینی زنان از مواضع خود نینجامیده و آن‌ها حتی در گروه‌هایی کوچک، همچنان اعتراضشان را به خیابان‌ها می‌آورند. پلاکاردهایی که زنان در تظاهرات خود حمل می‌کنند گواه روشن خواسته‌های برحق آن‌هاست. آن‌ها از مردم آزادی‌خواه جهان می‌خواهند فقط شاهد خاموش حذف و سرکوبشان نباشند.

این روزها که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به دنبال بزک کردن چهره‌ی طالبان هستند و سرنوشت میلیون‌ها انسان را معاملات «دیپلماتیک» رقم می‌زنند، این روزها که قرار است تباهی قدرت گرفته در افغانستان، پشت تبانی معامله‌گران پنهان بماند، اعتراض و مقاومت زنان افغانستان نقاب‌افکن است و سرشت آزادی‌گش طالبان را افشا می‌کند.

زنان افغانستان خواستار حفظ حقوق و دستاوردهای خود هستند و قوانین تحمیلی طالبان را بر نمی‌تابند. زنانی که سال‌ها برای برخورداری از حق «زندگی» و برابری حقوق مبارزه کرده و با تحمل رنج‌های فراوان دریچه‌هایی به سوی رهایی گشوده‌اند، حالا تمام دستاوردهایشان را به تاراج رفته می‌بینند و بر پلاکاردهایشان نوشته‌اند: «از جان خود گذشتم/ با خون خود نوشتم/ یا مرگ یا زندگی!».

سیطره‌ی نیرویی تبهکار و فرهنگ‌سوز، آن‌هم به پشت‌گرمی قدرت‌های دور و نزدیک، آغاز ویرانی تمام آن دریچه‌هاست. این زنان از جان گذشته با پوست و گوشت و خون و استخوانشان، تیزتر از هر گوش شنوایی، صدای ویرانی را شنیده‌اند. آن‌ها فریادشان را مقابل گلوله و تازیانه به خیابان‌ها آورده‌اند و تسلیم سرکوب طالبان نمی‌شوند. این روزها هر شکلی از به حاشیه راندن این مقاومت و

هر شکلی از نادیده گرفتن این فریادها، هموار کردن مسیر آزادی‌کُشی و مجوزی برای «لت و کوب» آن زندگی است. هیچ بزکی نمی‌تواند آن سرشت انسان‌ستیز را «عوض» کند و هیچ معامله‌ای نمی‌تواند این «با خون خود نوشتن» را بپوشاند. در این میان وعده‌های نمایشی طالبان هم تنها تمهیداتی هستند برای استقرار حکومتی که تاریخچه‌ی خون‌بارش گواه آینده‌ی تیره و تار آن است.

حالا که اخبار هم بر اساس همان «معاملات» بالا و پایین می‌شوند، بر نویسندگان و روزنامه‌نگاران و بر همه‌ی مردم آزادی‌خواه است که صدای این مقاومت را به گوش جهانیان برسانند. این کمترین همراهی با زنانی است که پرچمدار مبارزه با تباهی و تبانی شده‌اند و حضورشان در خیابان‌های افغانستان، «نه!» به ارتجاع و استبداد است!

***جان باختن یک کارگرداراک بر اثر برق گرفتگی و سقوط در چاه**

روز چهارشنبه 17 شهریور، یک کارگر 37 ساله حین کار در چاه 5 متری یک ساختمان در حال ساخت واقع در در خیابان شریعتی اراک بعلت لخت بودن سیم برق بالابر دچار برق گرفتگی شد و به ته چاه سقوط کرد و پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com